

راه آهن جنوبی بجا ب ودھلی دو میلیون و نود و
هفت هزار روپہ

راه آهن (راجپوتانہ) يك مایون و يك هزار روپہ
، راه آهن (لودیانہ و موری) سیصد و سیزده هزار روپہ
راه آهن (ایست انڈین) هفتاد ملیون و چهار
صد و بیست و يك هزار روپہ (این شعبہ راه آهن
سبت بسال گذشته دو مایون و باسد و بیست و هشت
هزار روپہ زیادہ دخل نموده است

راه آهن (اودہ و روهانکند) سیزده مایون و
نہصد و سی و ہه هزار روپہ (این شعبہ سبت سال
قبل باسد و شانزده هزار روپہ اضافہ دخل داشته است)
راه آهن (راجپوتانہ) و (مالوہ) بیست و يك مایون
و شصت و هشتاد و سه هزار روپہ

راه آهن (لکھنو و بریلی) يك ملیون و چهار
صد و ہندہ هزار روپہ عایدی داشته است

حبل المتین

خوب است برای توجہ هموطنان محترم قدری در این
حساب موشکافی شود - يك مایون دو کروڑ ایران است
بعبارة اخری دخل راه های آهن ہند بزبانہ
ایرانیان متعادل ہفتصد و بیست و يك کروڑ
و هفتاد و ہجہزار و صد روپہ است - روپہ امروز
مبادلہ میشود با چهار قران و بر این دخل ہند سالہ
ار سی الی چہل کروڑ ایران اضافہ میشود - تمام این
راہ های آهن کینی بودہ و ہست - اینک برخی
موء امتیازشان سرآمدہ بحکومت واگذار شدہ است -
این اضافہ دخل راه های آهن را کہ ذکر نمودیم از
سہ راہ میشود - یکی از زیادتی عبور و مرور طبرین
سبیل - و دیگر از کثرت و رواج تجارت - سوم از
ہمین دخل راه های آهن پس از تقسیم منافع بارباب شرکت
حصہ معینی برای توسعہ ادارہ نگاہ داشته راہ های آهن
جدید تعمیر می نمایند - این است کہ راہ آهن در ملک
زیاد میشود ہم بر تجارت و آبادی مملکت بی افزود
و منافع شرکا بیش میگردد

این جداخل راہ های آهن ہندکہ بر شمریم ہرچند
بعضی از هموطنان عزیز ما محل بر اہراق نمایند در
جنب عایدات راہ های آهن اروپا و امریکا بحساب در
نیاید - چہ بحیثیت آبادی و وسعت مملکت و حاصل
خیزی و تجارت این انداز راہ آهنکہ امروزہ موجود
است برای ریح ہندوستان کافی نتواند بود - و نیز اہالی
ہند تا کنون از اصول تجارت بی خبر و قدر و قیمتہ
وقت عزیز خود را چنساہہ باید و شاید نمی شناسند
ہر قدر تمدن آمان پیشی شود مداخل راہ های آهن زیادہ
خواہد گردید - خوب است تجار محترم و متمولین بہ
دانشمند راہ دور نروند - فقط حساب دخل يك فرسخ
راہ آهن حضرت عبدالعظیم تا طہرزان را نمودہ ہرچند
این گونه معاملات و تجارت های وطنیہ بی برند

ای صاحب ثروتان وطن عزیز ای برادران ایرانی
وقت بسیار تنگ است - تا دیر باز ایران ویران نتواند
ماند - ہرگاہ شاہا در تحصیل امتیازات ملکی نکوشید
دیگران خواهند کوشید - و منافی کہ وطن برای شما
قرون متوالیہ ودیہہ نگامداشته و باید عاید بشا شود
اجانب خواهند برد - وظیفہ دولت امتیاز و اطمینان
دادن و مقدم داشتن شاہا بر اجانب است - این عصر
فرخندہ را برای پیشرفت مقاصد وطنیہ خود غنیمت
شمارید - و اگر امروز بدین سخنان اعتنا نشود و
خوبشتر را از اقدام درین گونه امور مستثنی دانید
فردا کہ فرزندان دلہندتان بہوش آمدہ بخوش آیند و
خود را از منافع وطنیہ محروم وزیر دست اجانب بینند
و این سخنان را یاد کنند بر عقل و دانشتان خواهند
گریست - و بر فہم و ادراکستان مرزس و توبیخ
خواہند کرد - و روانتان را برحت یاد نخواہند نمود -
افسوس کہ در آن وقت این ہمہ تاسفات برای آنان حکم
مشت پس از جنگ را خواہد داشتہ و از آن ہمہ
تاسف و تحسر و دانش خود سودی نخواہند برد
ای برادران وطن ای ایرانیان غیور - یگانہ مطلق
میدانند کہ جزئی بصیرت نیست عنصری و بستہ
ہمت هیچ چیزند راہ شاہا امروزہ نیست - ورنہ

انوروی شوشتر ثروتش نفوذ ایرانی بعد از ژاپون از تمام
 اعمالی آسیا پیش است - و هنوز بر جمیع اصلاحات ملکی
 خود بدون تأیید خارجی قادرند - و نیکو میدانید که
 دولت علیه که مانند بدر مهربان است امروزه همه گونه
 همراهی با فرزندان عزیز خود یعنی رعایای خویش
 دارد - و اسباب اطمینان در امتیازات ملکی همه قسم
 برای ملت مهیا میبازد - هزارها مادن آهن که فائده اش
 برای ملک و ملت از کان طلا کمتر است در زیر حالت
 پنهان مانده - چه اشکال دارد و چه قدر سرمایه میبخواهد
 که يك کپانی برای بیرون آوردن سنگ آهن و آب
 کردن آن قائم نمایم ؟ آیا گمان می رود که منافع حاصل
 آن از فوائد دلالتی امتعه خارجه کمتر باشد ، آیا تصور
 میشود پس از آنستکه دولت دید فائده بردهاید از
 شرایط امتیاز نامه انحراف ورزد - و شماها زیادتی
 نماید ؟ گذشت زمانیکه باین معاذیرست اقتناع میشد و
 بدین خرافات دانشمندان ساکت میشدند - هم منافع
 باین کارها معلوم و هم همراهی دولت همین است و
 هر چه ازین مقولات گفته شود عنبر بد ترز گناه است
 (تو خود حدیث مفصل بخوان ازین محل)

داستان روسیا

عطف با سبق

دست یافتن روسیه بدو اساعیل

(و بروز جنگ در نزدیکی ماجین)

دو اساعیل را که سه ساله روسیه یونمکن هفت
 ماه بود دوره نموده با آنکه میدان را بر آنان تنگ و
 کار را سخت گرفته بود کاری نتوانست از پیش به برد
 دیدن آنکه تاخت برد با بیداری سپاه ترک که نگاهبان دو
 میباشد کاری از پیش نخواهد رفت - پس بر آن سر آمد
 که بدو تاخت برد و (سواروف) نام سردار را پیش
 جنگ نمود که با نردبان سپاه را بر فراز با دوی دژ بر
 آورد - با آنکه دوبار سپاه روس شکست خورده و
 برگشته سردار خیره سردست بردار نشده پس
 از بگفتن دادن بازده هزار سپاه بگرفتن دژ دست

وس گزیده و تیغ در مردم نهاده سی و پنجمزار از
 عثمانیان را اسرای دیگر فرستاد و سردار دیگر روسیه
 با دوازده هزار سپاهی که در زیر فرمان هلاکت از گذرگاه
 (ماجین) بدین سوی رودخانه (توبه) گذشته و سپاه عثمانی
 را که در آنجا بود پریشان نمود - و اکثرینه بی دربی از
 این فیروزیها آگاهی یافته و بیشتر طایفه خود ستایی او
 گردید - چنانچه روزی بفرستاده انگلیس گفت چون
 انگلیس میخواهد سرا از (تر مورک) براند تاجران
 میکنم دستوری دهد رخت به (قسطنطنیه) کشم

گفتگوی آشتی روس با عثمانی

هر چند (فریدریکوس) پادشاه پروسیا که دشمن و
 هم بشم روس و آرش بود از دنیا رفت - اما همی
 کردار و رفتار و روش او بدستوریکه در ورگار زندگانی
 پیش گرفته بود بجا ماند - و از روش کار و کردار -
 پروسیا و انگلیس دانسته بودند که روسیه و آرش در
 بخش نمودن کشور عثمانی میان بسته - و میخواستند در
 برابر آلمان ایستاده این اندیشه را بوج و بی نمایند پس
 در سال (۱۲۰۴) در میان پروسیا و عثمانی بدستگیری
 (را شد افندی) چنانی که پسند هر دو دربار بود
 بسته و بذرفته آمد که پروسیا با عثمانی در جنگ
 و آشتی همدست و همراه بر آرش بتازند - اما پس از
 چند روز (پوزیو) پادشاه آرش اینجهان را بدرود و
 شورش کشور فرانسه اندیشه همه پادشاهان را وارون
 نمود - چونکه گمان زبان از برای همی میرفت و بیکسو
 نمودن آن شورش را بر همه کارها گریه بیکسو نهادن
 دشمنی با یکدیگر و شایسته دیدند - این بود که پروسیا
 دشمنی خود را بر روسیه و آرش آشکار نکرده و باشکر
 کشی پرداخت - اما بسامان کشور خود سپاهی گران
 کسبل نمود - و نخست در میان عثمانی و آرش با دره پانی
 کرده آشتی داد پس از آن سلطان کشور روسیه
 و میان لهستان لشکر فراوان روان و روسیه را هم
 ناگزیر از آشتی نمود و آنچه درباره اینکار دیگران
 نگاشته اند بدینگونه است

پروسیا یکصد و پنجاه هزار سپاه بسامان کشور روسیه و اتریش فرستاده و در آن سر بود که با عثمان در جنگ روسیه و اتریش همدست شود که ناگاه (پوزیه) امپراتور اتریش بسرای دیگر رفت (لیوبودو) جاشین او از ستیز و پریشانی کشور بیزار و خود را ناگزیر از آشتی و آسایش دید - و از ملک سو شورش فراموش نمودن آمد که همگی را مایه بیم بود - پس دور اندیشانه رفتار نموده با پادشاه پروسیا بنیاد گفتگو نهاد و از برای گفتمانی آشتی (بشتابان) را که در نزدیکی سامان اتریش و خاک پروسیاست برگزیده و فرستادگان خود را فرستاده و از برای یکسو نمودن دشمنی در جستجوی راهی بر آمده و در ماه ذیحجه سال (۱۲۰۴) بهمان نام دور و دراری که بسیار چیزها در او نگاشته آمده پرداخته که یکی از آنها دست کشیدن از جنگ عثمانی و با عثمانی مانند پیش از جنگ بیسان استوار داشتن بود - ناگاه روسیه دید کار از کار گذشت و دستش اریاری و همراهی اتریش کوتاه شد - و بارگران جنگ یکباره بر دوش خودش ماند - و داست پس از این خشم و دست اندازی پروسیا ویژه او خواهد بود - چنانکه پنهان آنکه شمارا میخواستیم از ستم روسیه رهانیده و نگاهداری تمام با پادشاه لستان بیسان یگانگی بسته و پنهان نیک اندیشی سپاه فراوان بدرون لستان در آورده و بارگاههای (اچیکه) و (توارا) که از درگاه در آرزوی بدست آوردن آنجاها بود و کامیاب نمیکردید بزر فرمان خود آورد - از آن گذشته انگلیس هم با مادی کشتهای جنگی خود میخواستید که از دریای بالتیک بر روسیه بتازد - پس کترینه در میان جنگ با آنکه فیروزی مر او را بود چون دید زیادهای بزرگ از برای او آماده شده و کشورش هم رو بوبرانی گذارده و بجز زیان نمیخواهد دید و اگر پس از این سپاه خود را در جامای دور گرفتار دارد پارچه لستان که در هنگام بخش نمودن بدست او افتاده از

دستش خواهد رفت دور اندیشانه تن با شقی در داده - با همه اینها بسکه خودبستند بود از بروز دادن خواست سازش دوری جسته مانند نخست در کار جنگ استواری و نمود کرد و (قوتوزوف) که در سازش پیش از برای گفتمانی آشتی با عثمانی به (بکرش) رفته بود و هم از برای جلوگیری (به ناپارت) سردار سپاه شده جنگ (بوناپارت) فرستاده شد - و دارای پایه (فلاورشالی) بود در کوه (بابا) با سپاه عثمانی روبرو شده و پس از دو ماه (رینن) سردار دیگر روسیه با چهل هزار لشکر در دشت (ماچین) با لشکر (یوسف پاشای) دستور که بر سپاه اتریش فیروزمندیها بدست آورده و صد هزار سپاه در زیر فرمانش بود رو برد و در هر دو جا فیروزی مر روسیان را دست داده و سپاه ترک پریشان شدند - و در آسیای عثمانی هم دو دو که (سوغیجق) و (انابه) باشد بدست روسها افتاد و چهارده هزار سپاه ترک گرفتار گردید - و گذشته از آن پادشاهانیکه در آغاز جنگ با روسیه از در دشمنی بودند یکباره مشوار خود را برگردانده و درخواست نمودند که پادشاه عثمانی از در آشتی در آید زیرا در آن گیر و دار اسوج با روسیه آشتی نمود - و انگلیس آشتی نکرد - انگلیس که در آغاز عثمانی را بجنگ و امید داشت و از میان سوداگری که میان فرانسه و روس بسته شده بود دلگیر بود همینکه شورش در فرانسه بروز نمود و همه روز آشوب بالا میگرفت کترینه از فرانسه رو گردان شدنش آشکارا بود - این گذارشی مایه خوشنودی انگلیس گشته و بر آنشد که بستییز و آویز آرزوی خود را بدست آورد پس از برای خوشنودی کترینه با در میان شدن او چیزی دیگر هم بروز نمود و آن این بود که بگوش (آقوب) نامی که از کار گزاران انگلیس و در نزد بوتکین راهی پیدا نموده بود رسید که (کترینه) بر سر آست که از راه نوکستان و کشمیر به سوی هند لشکر کشیده و هند را که در پایه گنج انگلیس بود در آن گرفته مانده پیش به

(خانان) مغول واگذار نماید - و از برای رهنائی لشکر چند نفر از فرانسویان که آسز زمین را نوردیده اند و راهها را میشناسند در فراسه آماده نموده - اینگذارش را باندن آگاهی داد - پادشاه انگلیس دو چار ادیسه گردیده و با تلاش بسیار بدانسر بود که دل کترینه را بدست آورد - پس با همراهان خود پروسیا و فلنک سخن آشتی را بمیان آورده و کسی را به پترسبورگ از برای گفتگو آشتی فرستاده و بمیانگیری کر بست در نزد هر دو پادشاه که عثمانی و روس باشد با آسانی سخن او پذیرفته آمد چونکه با نوشته بهر دو سو آگاهی داد روسیه گفتگوی آشتی را بدینارک واگذار و به او نامه نوشت و در سر بنیاد آشتی دنیسارک بانگلیس و پروسیا و فلنک آغاز گفتگو نمود و خواهش های کترینه را بهر سه پادشاه هویدا و آشکار کرد پس از گفتگوهای پیشا - سخن را بدین گونه بیان آوردند که گذارش آشتی را که از روی نیک خواهی ادیسه اند عثمانی آگاهی دهند - اگر نپذیرد یکباره هر سه پادشاه از این کار کناره نمایند و دیگر از این در سخن برانند - و از این ادیسه و بیان با نوشته به (کترینه) آگاهی دادند و فرستادگان انگلیس و روس که در پترسبورگ بودند يك زبان به پیشگاه کترینه نامه های چند گذرانیدند که با بجا ماندن همه کشور عثمانی آشتی را از او خواستگار آمدند سر انجام سخن را بدان پایان دادند که رودخانه (دورا) سامان عثمانی و روس بود و آشتی شود و اگر عثمانی نپذیرد خود را کنار کشیده و بخودشان واگذارند و این بیان نامه که (محمدالمهدی) ممانند نکاشته آمد (باقی دارد)

عنوان دوم

خطابه شاهزاده آزاده کمال الدوله دهلوی

از شماره ۳۰

ای جلال الدوله - وسعت خاک ایران بدرجه بود که از کران تا بکرانش را آفتاب در یکروز نمی چمود - اینک مختصری از جنرایای باستان ایران که آنرا

فرنگیان ایران میگویند برای مزید بصیرت مینگارم ایران از طرف شالش رود جیحون و دریاچه آرال و باب الابواب در بند بوده - و از طرف جنوبش خلیج فارس و بحر عمان را حاوی - و از سمت شرقش برودخانه (سبج) که مابین سند و هنده است منتهی و از طرف مغربش تلا پوغار اسلامبول (که بسفورش میخوانند و کنار دریای سفید است متصل میگردید

بالجمله - ولایات بلوچستان - افغانستان - کابل - غور - سیستان - لاهور - کشمیر - شکارپور - و تامی سند - بلخ - بخارا - خبوه - ارکنج - دشت قبچاق - شیروانات - بابل زمین - دیاربکر - ارمنستان - سوریه - شامات - حلب - جزیره العرب - مکه - مدینه و غیره و غیره تمام در زیر اقدار پادشاهی ایران بود - علاوه بر این ممالک - مصر - هندوستان و یونانستان - نیز اکثر اوقات در زیر حمایه و سایه سلطنت ایران میزستند و (فارس) که پای تخت پادشاهان کیان بود بمنزله (تالاب) بزرگ و اصطخر آبی می نمود که به سیاری از ممالک عالم از آن مرکز حکمرانی جریان اوامر پادشاهی میشد - و از این جهت بمشایه اصطخر فارس می نامیدند یعنی سلاطین ممالک اطراف مانند نهرها از آن اصطخر حکمرانی بشهرها میرفتند و از مرکز سلطنت ایران که اصطخر فارس است تعیین و نصب میشده اند -

عنوان سوم

ای جلال الدوله - آب و هوا و وضع طبیعی اقام ایران چون در بهترین نقاط آسیا واقع است از هر حیثیت ممتاز و مرغوب و دایسند و محبوب است و هوایش بی عدیل و مثل و آبش طالع کثر و سلسیل - دهر قطعه این ممالک رودخانه های طبی از آب شیرین جاری اکثر اراضیش منبت و حاصل خیز و زمینهایش بر قوت و مستوی مسقطه زراعت و فلاحیت و قابل هر نوع غرس اشجار سرد سیری مانند گردو و صنوبر و تبریزی و گرمسیری مثل خرما و انجیر و لیمو

از هر قسم میوه که در تمام بابت شود در خاک ایران جنس
 قیس اعلاش ممکن است تربیت یابد
 آب و هوای ایران میوه ها را خوب و شیرین و
 لطیف و حکم دانه و کم سفال میرساند و میپروراند
 و حیوانات را پر بار و محصولات را سرشار می آورد
 و میدهد - اغلب میوه های ممالک خارجه در زمان قدیم
 از ایران رفته چنانچه هنوز بهمان اسم ایرانی باقی است
 مانند انجیر و زردآلو و کراشی و شفتالو و ماندنی و حرما
 که (هرما) بوده و از ایران بروم مسافرت نمود - و ماندنی
 از میدکج گردستان و - حرما از سمت بلوچستان بود -
 از این قبیل اسامی میوه حات بسیار است که اینک صورت
 لفظش تمیز نموده و چون بدقت و فکر در آن اسم
 غور شود معلوم خواهد شد که لفظ ایرانی است - هرکس
 میداند که چون کلمه از لفظی دیگر رود باسم خویش
 میرود و اغلب بهمان اسم اصلی خود باقی میماند مانند
 (پاره) که در ممالک عثمانی بر اسم خود باقی ماند - و برخی
 پس از مسافرت تمیز یافته مثل (خروش) که اصل (پاره)
 (ر) بود - بهرستان سر کرده (قراضه) گشت - باز
 بایران عودت نموده فروخته شد - مجدداً از ایران بروم
 رفت قروش گشت - باز بهرستان برگشت (خروش) شد
 خلاصه - در خاک ایران هر قسم رزاعت و درخت
 میوه دار و نهال و سبزه نشو و نما میشود کوههای
 ایران سبز و خرم و پر از چشمه های شیرین زلال که هر
 به فلک میذارنگ کشیده و دامان را بر تلز گل و لاله و
 ریخا نموده و گهرا خرق سبیل و برعم و ضمیران
 ساخته قله را مالا مال هر هر و سرو و آدرسی و سب
 و نار کرده کوه (الوند) و (دماوند) و (شاه کوه)
 و (هفتاد قله کوه) و (شاه کوه بزمان) (حبال بازر)
 هر یک خود گواه عظمت طبیعی ایران و بادی بخت
 پایاست - مثلاً (حبال بازر) که در خط فاصل بین
 حیرفت و کرمان واقع است حالت جبل لبنان در او
 ظاهر - فصل زمستان را بر سر نهاده از قله های پر
 برف و برف برف تابستان دستی پدما نهن ندارد -

فصل مغزاق را در آشوش کشیده - درختانش
 بمیوه های خزانی بار و راست - فصل بهار را در کمر
 گرفته و گل های بهاری را که در ایام منتهای چون کمر
 مرصع و خشان و تابان مست - فصل تابستان را بر دام
 نهاده که درختان نخل و لیمو و نارنج و ترنج را داراست -
 این کوه صرب المثل است که برای بهار بتوسط دو قلند
 نیز رفتار در عرض دو ساعت میوه سرد سیر و گرم
 سیر را میتوان حاضر نمود چون رطب نازه و یخ و
 مادان و غیره - محب تر از این کوه کوه بزمان که ولع
 در وسط بلوچستان و خنودیک بمپور میباشد - در آن
 هوای گرم تابستان بلوچستان که سرب از تاب آفتاب
 منقلب میشود قله هایش مانند انوار افق از برف
 میدرخشد و آتش حسرت دل سوختگان حرارت آن
 دشت نمورناک را می افرازد - کوه (کنوی) بندر عباس
 بمراتب از این شکفت و عجب تراست شرح سایر
 کوه های ایران را تحریر و تقریر و تحقیق سیاحان و
 جغرافیا دانان و میگذاریم -

ولی از سزی و خرمی و چشمه سارهای کوه الوند که
 در قلب الاسد تابستان بهره مند شده ریان نمی مند
 هشت هزار چشمه در این کوه برشکوه با هر ض و طول
 که از سمت مشرق سایه افکن بلوک تو سیرکان - و از
 طرف مغرب بر تو انداز ممدان شده شمرده اند - در آن
 زمان که من از تو سیرکان بهمدان می آمدم را هم از این
 کوه بود - چهار نفر فرنگیان گیاه شناس با دو از ده
 نفر عمله در تحقیق گیاه های این کوه دیدم از
 ایشان مدت تفحص و تحقیق حالشان را نموده جواب
 دادند يك ماه است يكطرف این کوه را کشته و بیست
 و دو قسم از بیساتانیکه حلی دیگر کمتر یافت میشود
 حته ایم - جنگلهای مازندران و شیراز و بلوچستان
 محتاج بشرح و بیان نیست هم رفتار عرض بهایم که یکی
 از فرنگیان و سیاحان که سیاحت ایرانرا نیکو نموده بود
 در (طرا بزون) برای من حکایت کرد - که اگر خطه
 مازندران در دست انگلیسان یا فرانسویان بودی تنها

از چوب جنگش سالی زیاده از سی کرور پول ایران استفاده میکردند. رودخانه و نه‌های ایران لا تعد ولا تحصى را شایان است مگر نقشهای پولتیکی انگلیس ضبط رودخانهها. و سیلابهای ابرار نماید رود مرغاب - رود کارون - شطالعرب - شله سینستان - هیرود - جیرفت - رود بمپور - زاینده رود اصفهان - رود ذهاب - رود کربال - رود داراب - وغیره وغیره برای ایران رود رود زده و وای وای گریه میکنند از همه رودخانهها گمنا تر رود جیرفت و بمپور است هرگاه دولت ایران یکصد هزار تومان خرج ساختن سد و بند این رودخانه نماید که آبش مستولی بر قطعات اراضی مستوی مینماید جیرفت و رود بار گردد میتواند معادل محصول نیل مصر از آن خطه استفاده نماید شرط داشتن زرع و فلاح و دقت و اهتمام چنانچه آآن در دهه تنگه آن کوهی که از آنجا رود (هیرود) سرازیر دشت صاف مسطح جیرفت میشود آثار سدی بزرگ پیدا است که در قدیم داشته و در تنگه آن کوه که یکفرسخ طول دارد برای اوقاتی که آب این رودخانه برای فصل ناستان کم میشود آب آبراری ساخته شده بود که چهار هزار قصبه و بلوک و ده جیرفت را که حالا آثار آنها باقی است آبراری مینمود - ولی از آن چهار هزار ده و قصبه آآن دو بیست مرعه بیشتر باقی نیست - اعتقاد اهالی آنجا اینکه (اسیل ارم) همین رود است و شهر (سبا) جیرفت - و میگویند محصول آبریشم این دشت هر سال ده هزار خروار بود المهدة علی الراوی - مختصرا حالا بیابانی است خالی از سکنه و رعیت و خرابه ها ایت موحش و با وحشت خاورستانی است بر عقرب و مار و دیاری است حالی از اهالی و دیار

از معادن ایران چه بنویسم طلای بلوچستان - گوگرد - کوه بزمان - مس و سرب بر آسمان - شادر جبال باذر - فیروزه خراسان - آهن شهر بلك - مرمر کوه هزاره - نفت قراسوی کرمانشاه و دالکی بوشهر انگشت های جهانیان است - با اینکه سالهای دراز

معادن خدا داد که انبهای صنعت پروردگار است هیچ دست نخورده و بحال خود باقی است باز بقدر نمونه در شهرهای خرابه ایران و آتیکه خانههای فراسه و انگلستان از آنها موجود و یافت میشود

هوای ایران از تعریف و بیان مستقی است همین اس که ابداء امراض مزمنه در ایران یافت نمیشود و بیماری مسریه نیز کمتر باقی میماند و دوام میکند کوفت را مرض فرنگی میخوانند - طاعون را ارمغان مصر میشارند - نام مقدس از هند بجزیره العرب رفته و با حجاج بیت الله الحرام با ایران آمد - درد کلو چند سال است بهمراهی دست مال گردن اروپائیان کلوی ایران را گرفته - آخالان را از روسیه و اطالیه بفلان جای ایران فرو رفت - خنثاق و محرقة و مطبه گاهی در ایران ارمیستان سیاحت می آمد - بلی تب و قولنج از با بلستان در ایران مقیم است و آن را عمالجه آسان غناب و سیستان و باده خون ارغوان ر بیخ و باش میکند - چیزی که از علاحض عاجز بودند مرگ بود - هوای گیلان ایران که نسبت هوای مرستان و هندوستان سیم رسوان و هوای چنان است در بدی ضرب المثل شد که (اسکر مرگ میخوانی برو گیلان ما میتوانیم بر صحت و سلامتی هوای ایران استدلال نمایم - که اگر مولد امراض میبود البته علم طب در مدت مدتی تمدن کامل تر از این بود که امروزه هست چنانچه اطبای ایران در عمالجه مرض محرقة و مطبقه کمال وقوف و مهارت را دارند - زیرا که این امراض از مدتها در ایران بوده و برای معالجه اش کمال جد و جهد را کرده اند

در ایران گر مسرت فراوان هست و در حال ناستان بسیار گرم میشود ولی هوایش مصر و مودی - مولد خشکی نیست و هم میتوان تا مدت اصلاح در غرس اشجار و شق آنها و ساختن چنهای مصنوعی و بنای عمارات چنانچه بقسمی تبدیل گرمی هوایش را کرد که بخوبی و خوشنود در هر فصل بتوان در آنجا زندگی نمود

و هم در ایران بارهای موحش و مدمش کمتر دیده شده و غیر از شوشتر و دزفول در جای دیگر ایران باد سموم دیده نمیشود - و اصلاح آنها و توقف بزراعت اراضی و فوس اشجار از اطراف است و هم در ایران زلزله های سخت و صاعقه های مهیب و برقه های سوزان با در یافت میشود - چنانچه در هیچ تاریخی نوشته نشده که يك شهر از وزیدن بادهای سخت و تند یا يك مملکت از زمین لرزه های بزرگ از ایران ویران و خراب شده باشد - یا از صاعقه ، برق فلان قصبه سوخته و نابود گردد - و هم باران و برف و تگرگهای مهول و مرعوب هیچگاه در ایران بقسی نیاریده که هزار آدم از سیل و برف و تکرک هلاک شوند یا دو گله گاو و گوسفند از ریزش تکرک نابود و معدوم شوند - و هم در هیچ جای ایران هوا سرد و گرم نشده بقتیبکه مردم را هلاک و وحوش و طیور را تاف و اشجار کهن را بخشکاند و بسوزاند و هم سیلاب و رودهای ناگهان تاکنون هیچ شهری از شهرهای ایران را از بیخ و بن ویران نموده است - تمام اینها برهان و دلیل خوبی و وضع طبیعی ایران و اعتدال هوا و حوشی آب و زیبائی اساس تربیب طبیعت در آن خطه جنت نشان است که ذکر شد - در ایران همه قسم طیور و حیوانات وحشی و جنگلی میتواند زیست نمود - و هر نوع اطعمه و آدوقه برای هر قبیل حیوان و طبر یافت میشود جنگل مازدران آنقدر حیوانات وحشی و طیور و پرده های بسیار دارد که ذکرش در این مختصر نمیگنجد - ملی فیل و کرگدن و زرافه در قطعات ایران دیده نشده و آنها دلیل نمیشود که این حیوانات دو هوای ایرن میتوانند زیست نمود با اینکه مراتع و مرعی و طوای طبیعی در جنگل و صحرائی ایران برای آنها نیست - بلکه با بواسطه کثرت صید آنان یا از جهة مضرشان جنس آنها را از ایران برداخته اند و الا در هر جای ایران هر جنس جانور و حیوان میتواند زیست نمود نهایت بطور بیلاق و قشلاق باشد چنانچه هر نقطه

آنخاک که بیلاق است قشلاق را در نزدیکی خود بوضع طبیعی داراست و بخرمی و خوشی تمیش میتوان نمود (بقی دارد)

سرمایه سعادت هیئت اجتماعی

﴿ حصول آباد و اتفاق ﴾

﴿ از شماره سی ﴾

دوات و ملت ما با این کثرت اتحاد مذهب و ممالکت ممتاز و اراضی مثبت و پست مابون نفوس چرا باید قوه حریب و مایه او بدرجه نیاید که در دول معظمه در آید - و حال آنکه در حیثیت و موقعی واقع شده که باید رشته پواتیک درید اقتدار دولت متبوعه ما باشد که در شرح او ایسک دم زدن نشاید بلی خود یسندی و افراض شخص تا امروز نگذارده ابنای مات بر تاریخ با محاکه آگاه و از جغرافیای عالم واقف گردند زیرا همینکه عالم و واقف گردیدند این گونه مذک و خوار بر خود نخواهند پسندید

اجانب در امور داخلی ممالکت هیچ دولتی نمیتوانند مداخله نمود - مگر بمناسبت منافع مخصوصه که از آن جمله است حفظ تبعه و ساز بهانه حوثیهای تجارتن و حمایت و پلنیکی

دولت ما از همه اینها وارسته بود ولی با دادن امتیاز بخارجیه تزویج مقاصد فایده همایگان شده و خواهد شد - بانگ شاهنشاهی و بانگ استقراضی همه گویه وسیله بدست آنها داده حال فوق لازم است که خود را رار و زبون آنان سازیم - باید وکلای با دانش امروز این معنی را بدانند در هر نکته که اجانب جهة خیر خود از دربار ما چیزی طلب نمایند يك دنیا مضرت جهة ملك رمانت و دوات ما در بردارد اینك اگر جمیع قوای عتلیه خود را گرد آوریم نمیتوانیم فقط رفع و دفع مضرت نوت بانگ شاهنشاهی را بنائیم و یا مات خود را از جنگ بانگ استقراضی رها کنیم عموم رجال خیر خواه امروزه دانسته اند که دول همواره حیا مقصود بزرگ که مکنون خاطر شاد است

این بانگها را در ایران تأسیس نموده اند
 غرض آنکه دفع و رفع هیچیک ازین نواقص و
 گرفتاریها ممکن نیست مگر در سایه اتحاد. اتحاد و اتفاق
 بدون استوار شدن اصول مساوات و برابری محالست.
 تا حال دولت علیه ما را استبداد رجال خود پسند بهر
 نوع فلاکت دچار نموده. با دور استبداد ختم و عهد
 مسئولیت و آزادی بروز نماید سعادت و قوت جبهه
 دولت و ملت و مملکت ایران محال اندر محالست. این
 است حقیقت حال اگر طالب دوام و بقا هستیم باید درخت
 استبداد را از بن درافکنیم و بجای او شجره طیبه عدل
 را غرس نمایم تا به اصلاح همه نواقص دسترس آیم.
 باوجود حکومت مستبده عموم ملت در یکدیگر با یک
 دنیا قوت خواهند نگریست و دائم از یکدیگر در
 خوف و بیم و هراس خواهند بود دولت و ارکان
 دولت را ظالم و ستمگر بشمار آورده اند اطمینان
 به حکومت نخواهند داشت. و ریشه درخت استبداد
 به تیشه قانون که حکم عمومی پادشاه است از پیخ برکنده
 میشود

ای پدر مهربان وای شاهنشاه اسلامیان پناه استبداد
 سابقین از رجال دین و دولت و ثروت مملکترا پاپال -
 قوت دولتت که قوت ملت است بضعف. عزت ملتت
 را بذات و خواری مبدل ساختند بدین و آئین اهل
 وطن و رطابای ایران که فرزندانی مجازی دولت هستند
 زخم فرما و نگذار این قوه خدا داد معنوی ملت و
 دولت رفته رفته محو گردد. زیرا قوت ملت دو قوه
 است یکی مادی و دیگری معنوی. قوای مادی ضایع
 و باطل. ثروت ملک محو. شجاعت ملت بدل به جبن
 و بیم شده. از عساکر اسم بسیار ورسم کم است. امروز
 روزیست قوه معنوی خدا داد صکته مادیات را منقلب
 تواند نمود بموقع اجرا آید و ایندولت قدیم قومی که
 مایه مرافرازی و افتخار اسلامیان است و قانونش احکام
 منزل من الله میباشد بمقام اولیه آید و ارتباط معنوی دولت
 ملت ظاهر گردد. تا رابطه و اتحاد جهت احیای

ملت نجیب شاه پرست ایران هویدا و آشکارا شود. و
 دستگاه دولت که آلائش بحسب اقتضای وقت زنک زده
 سگزارده و از سکار انداخته اند بازیت شجره
 طیبه قانون. اوات جرب و به کار او فتد و بر همه عالم
 معنی اهل ایران هویدا گردد. خود غرضان نمیخواستند
 که کار دولت در محور لایق خود جریان یابد. و همواره
 در فکر تاخت و تاراج و اجرای آرزوهای مشیانه
 خود بوده اند. چنان وانموده بر عالمیان شده که ایرانیان
 عموماً از علم سیاست بی بهره و از امور اداره مملکتاری
 بی اطلاعند و معنی سیاست را این دانسته اند که بر ملت
 بتازند و نزدیک با دوا. خود بپازند و خزانه پندمال
 را بیهوده و خرج ادارات کیفیت خود نمایند. نه از برای
 حدود ملک حافظی میبایست. و نه جبهه اداره امور مأمور
 عالم در ستکار تدارک و حاضر میبایست. نه اداره جهاد به
 را در خور مملکت داری انتظام داده. نه در معاملات
 جانب شرط احتیاط را بعمل می آورند و نه در حفظ
 حقوق صرف افکار شده. و آنچه هر یک از همسایگان
 طالب نموده بلا تأمل بر اینگان بخشیده اند. ملت را دائم از
 سطوت اجانب هراسان و بجای تدارک اسباب ثروت
 وسیله محو ثروت ملک و ملت را فراهم کردند بطریق تجارت
 ملت مسدود راه تقاب اجانب را مفتوح داشتند امور
 مهمه دولت را بدست حامیان اجانب سپرده عیش
 موقت را بر ندایر حکمران و مملکت داری و حفظ
 نفور و دفع شرور. مقدم میشمردند

بلی سبب همه این زشوقها و اعتراضات اجانب
 دوری جستن رجال از قانون. مساوات بود با آنکه
 موافق تصدیق علماء و دانایان هر ملت و ادله و برامین علی
 هیچ قانونی از قانون شریعت غرض اسلامیه مکتول ترسوده و
 نیست دائم خود غرضان بحرج دولت میدادند که هر کس
 لفظ قانون بر زبان جاری نماید بدخواه دولت و آزادی
 طلب است و حال آنکه هر آنکو فی الجمله از وضع آگاه است
 میداند که قانون همان حکم عمومی پادشاه است و دره
 باقتدار شخص پادشاه تقصان نمیرساند بلکه وهم طوائف

الملوک را دور میدارد بزرگ و کوچک ضعیف و قوی
 امیر و وزیر تحت او امر مردمی بادشاه درمی آید. چون
 طودغرضان صاحب خود و اقتدار بدون استحقاق حاکم
 رقابرتا گردیدند و هرگونه تصرفات در مال و جان و ملک
 و شرف و ناموس مات بسته باراده کیفیت آنان بود
 بهر تدبیر که توانستند دولت را از اجرای قانون مساوات
 اعفال نمودند.

باید با کمال قوت قلم در معاملات حقوقیه قانون
 مقدس اسلام و در معاملات ممالکیه قانون اروپا را
 جاری و ادارات دولت را منظم و خزانه بیت المال را
 از یغما محفوظا و قوه جهادیه را در حور شیوانات
 دولت و مات منظم داشت.

هرگاه عطف نظر بحال اقصی ممالک آسیا شود يك
 قوم گنام آسیائی که از سی و پنج سال قبل در ربر
 سایه تدابیر يك مردم داشتند غیور و پادشاه با فرهنگ
 و هوش خود (میکادو) که رسم استبداد را از
 میان آنان مرتفع کرد و قانون مساوات و اصول
 مشورت را جاری ساخت بجهت ترقی ارتقا حسته که
 اینک هیکل مذهب دولت روس را که ابوالطول جمیع
 دول و د متزلزل داشته و در ششدر حیرت انداخته
 است. حواهم دانست که باندک توجه اعلیحضرت اقدس
 شاهنشاهی که در دانش و سیاست ر خیرخواهی ملت
 اول (میکادوی) آسیا صربالمثل است این مات غیور
 شاه برسد دو گونه ژاپویان ترقی خواهند نمود.

رطرف دیگر عطف نظری هم نامارت افغانستان که
 سابقه عبرت و ومان پرستی چه قدر ترقی نموده جمیع
 نفوس او تا اینکه به پنج مایون میرسد و وارداتش عشر
 واردات ایران است. الحال دارای دویست هزار باک
 پیشتر عساکر تربت شده میباشد. همه حور اسلحه
 را در کارخانههای خود آماده مینماید افسوس که خود
 بسندان ما بی دربی بخیمال اختراع عوان و تاراج خزانه
 دولت و بهزار تقلب برای خود و مردمیکه گرد جبه
 آنها را خوب میکنند و دروغشانرا خوب میروند.

خدمت بخرج داده مبانای مال دولت باسم مواجب برای
 آنان برقرار دارند در کتابچه مالیات جز مواجب مفت
 خواران و وظیفه بی طاران و تیول هر مردار خوار
 چیزی دیگر ثبت نیست. دخل روز افزون ولی بمصارف
 شذرات دواقی وسد طریق تحاورات اجانب هیچ نمیرسد
 نمیدانم این گونه مردم در برابر هم جنس های خود
 ابدأ محجوب می شود ؟

امروز باید تصور کرد که دولت ژاپون چه سحر
 در ترقی ملت و قوت دولت خود کرده. و بجهت تدبیر
 در جمیع عالم نام (میکادو) امپراطور ژاپون به نیکوئی
 علم شده و وزرای آن دولت جوان را بر همسران چه
 برتری ها بخشیده است همان اصول و طریقه را اختیار
 بنامیم.

اصول مسئولیت است که دولت و مات ژاپون را
 آسوده و داری این ثروت و قوت هنگفت نموده. همان
 اصول است که معنی حب الوطن را خاطر نشان آنان
 کرده. اصول آرادای و مسئولیت است که هیئت
 اجتماعیه قوم ژاپون را در راه شرف و حفظ حقوق
 و سد طریق دشمن بفضای جان و مال در راه دولت
 آماده نموده است.

در دوم مارت افرنجی تلگرافاً از (توسکیو)
 پای تخت دولت ژاپون خبر میرسد که امپراطور یعنی
 (میکادو) فرمان داد ۹۳ مارت اعضاء مجلس مبعوثان
 را دعوت نماید و مجلس وکلا عقد اجتماع نموده مشغولند
 به تنظیم لایحه که مقرر است در خصوص رسوم محاربه
 و شرایط و تفصیل آن بمجلس ارائه دارند.

قرار داده اند بر رسوم حاضره غیر از آنچه بر
 بدی اراضی افزوده اند هتاد ملیون مزید نمایند. و
 رسوم گمرک را هم خواهند افزود. و همچنین بر مکینات
 ار نوتون و غیره رسوم خواهند بست. و علاوه بر این
 برخی رسوم دیگر نیز احداث خواهد شد.

بلی همینکه ملت آرادای داشت و بر جمیع حقوق
 خود دسترس گردید و معنی دولت و ملت فهمیده شد.

البته در راه شرف ملی - و ترقیات دواق همه گونه
فداکاری آماده خواهد شد - ولی در صورتیکه ملت
مشاهده نمود آنچه از او اخذ میشود مصارف ادارات
کیفیه و خرج مشتمیات نفسانیه برخی اشخاص که ابدأ
بشئونات ملق و دواقشان ربطی ندارد میرسد هرگز
رضا نخواهند داد دیناری میدهند مگر باجبار

از یادم نمیرود پس از آنکه انگلیس برخلاف شروط
همه چیز علی الغنله به بنادر فارس هجوم نمود به محض خبر
رسیدن عموم ملت با کمال شتاب بتدارك حرب پرداخته
تماماً آماده جنگ شدند که ناگاه آگاهی بسته شدن آن
پیمان شوم و عهدنامه میبوم رسیده مابین قوت عموم آمد -
پس از آن که دولت امانه طلب نمود اهالی روی رضا
نه نمودند - وکلای با بصیرت دولت را بر آن داشتند
بهر شهر و بلد وجهی حواله دهند - کسانیکه با جان و مال
جبهه حفظ شرف ملی و وطن گرامی آماده شده بودند
از در انکار در آمدند هر چند در نانی هر شهری که
هزار تومان - و له شده بود حکام صد هزار تومان
گرفتند ولی مجبور و ستم و جوب هیچ يك از این
وقوعات ماضی و نازه وکلای امور را از خواب غفالت
بیدار نه نمود - امروز امیدواری که برای ملت باقی است
اعتماد و اعتبار آحاد بذات اقدس پادشاه ترقی خواه است -
از وکلای امور با این شاهنشاه ترقی خواه فروتنی با جان
سرافرازی به رعیت نیست - هرگز شایسته ناست خرابی ملک
و بربادی زردستان و مستولی داشتن دشمن و ضعیف
نمودن دولت مس آنها را زبانی زبون چنانکه ذکر شد قرار
داده اند هر مردیکه از مرکه رو برگرداند او را قبول
نکنند - مگر آنان بر سر مردیکه در فکر شئونات دولت
ومات و ملک خود نباشند - چنین زنان صد هزار مرتبه
بر وجود آن گونه مردان شرف دارند

مرض معلوم عجباً باید بجه اصول متابعت نمود که
محدورلت بر طرف و شئونات از دست رفته باز گشت
نباید - نخست لازم است که رؤسای ملت در خصوص
اصلاح کلیه امور با دولت همراهی فرمایند و رجال دولت

راست که جبهه بقای خود ازمشوره ایشان ابا و امتناع
نه نمایند - نخست عموم وکلای درست کردار که خود
بستندان از دربار رنده احضار و هبئت وکلا در خور
شئونات دولت تشکیل - و پس از آن قانون نامه جبهه
مجلس عمومی تنظیم و دوا بر را از یکدیگر مجزی و تکلیف
هر دایره را تعیین و اند برای هر اداره قانون وضع - و
بر هر يك ناظری از برادران وطنی یعنی فارسیان با
دانش برقرار و کارهرا در تحت نظارت او گذارد و از
رای همگی قانون مسئولیت را استوار دارند بعد از آنکه
این کار را متمدن بر همه کارها دانسته اول نام اصلاح عمل
مالیه و در نانی بدفع مصارف بهبوده و مواج های
جمعیتی و وظایف عیجا و تیول های خانه بر انداز پرداخته
همه عایدات را جبهه تخصیصات عسکری ترک و بقیه را
با همار ملک و بستن بندها و ترقی معارف پردازند
اینست مختصری از مفصل که امروزه کافی به تقای
دولت و ملک و ملت تواند شد دیگر بسته بتوجه رجال
بزرگ خبرخواه و همت وکلای دور بین است

چون سخن در وصف این حالت رسید
هم قلم بشکست و هم کاغذ دابد
مکتوب از بغداد

جناب مؤیدالاسلام - این جان نثار دولت ابد
مدت محمد رضا درماه دی حجه سنه (۱۳۲۱) مزم
زیارت مشاهده متبرکه بعراق صرب منصرف شدم - یک و
فقره نزاع میان زوار و کارمای صرب واقع شده بود
ما در طهران شنیده بودیم بعضی از سکنه عراق از
وین مردمان کار آمدند گاهی بکار زوار و فقرا
میرسند باخیال با آنها رجوع کرده دیدیم بنایشان در
رسیدگی با و ر خاق الله کم تر است - در حقیقت مار خوشخط
و خال اند - و چون باین صفت آنها را مشهور و جناب عالی
هم اسم آنها را میدانید چنانچه در بعضی نمره های
سابق اشاره بآنها بود از آنان ناماید شده از ما و درین
کار برداز خانه عراق صرب هم مایوس بودیم ناچار بلا
واسطه بحکومت سئیه یعنی بمصرفیه کربلا مراجعه کرده

الحق متصرف باشکال همراهی و مساعدت را با ما کردند معلوم گردید که اینها همه بواسطه توصیه های خلافت کبری اسلامی و سفارشات ناب عالی است در رعایت و جانب داری زوار عجم (اینهمه آوازه از شه بود) و مقتضای باکی طینت مشیریه بغداد که در انجام مقاصد علیه سلطان و حفظ جهت جامعه اسلامی سی باغب دارند ما جمله زوار ایرانی کمال تشکر را از ولایت مشیریه بغداد داریم - خداوند اسلام و اهل آنرا توفیق و قوت و غلبه بر دشمنان دین عنایت فرماید

غرض بعد از غور رسی از احوال عراق عراق معلوم شد که چهار نفر بداد مظلومین ایران میروند - اول حضرت مستطاب آية الله الاعظم كهف التقي و علم الوری ابوالارامل والیتامی حجة الاسلام والمسلمین آقای قاضل شریانی متعاقب المسلمین به جانه

دوم ولد ارچند و دوحه برومند قره العین العلم و شجره حلم آقای حسن آقا حفظه الله

سوم جناب جلالتماب حاجی اسدخان نظام العلماء که کیانی الاب و مهانی الام نجیب الطرفین وارث هنر سلطنت و قرین خانواده شرافت که

(نژاد از دوسو دارد این نیک پی)

چهارم دوحه شجره نبوت و نوسال بوستان امامت جناب مستطاب آقا سید حسن حکیم زاده که قصر حلم را رکنی است رکن و مدینه ادب را سوری است متین اگر چه بعضی از جنود و جیره خواران شخص ایران فروش محض ادای حقوق ولی نعمت خود گاهی باین وجودهای محترمه معارضه دارند - ولی بحمد الله بآمال خود نایل شده و نخواهند شد - از جناب عالی خواهشمند است که این ذریعه را بکم و زیاد درج فرمایند که زوار ایران هر گاه استلا پیدا کردند ملحق و یناه خود را بدانند

مکتوب از بوشهر

هفته گذشته میرزا مهدیخان منعی بابی جناب

دریابگی از طرف بصره وارد قرنطینه شد - فردا از قرنطینه وارد بوشهر میشود - جناب دریابگی دیروز از محرم تلگرافشان رسید بکه با میل بوشهر آمده بقرنطینه خواهند رفت ازین رو همه منتظرند که امروز با میل وارد شوند دستور العمل و قوانین جدید دولت در موقع اجرا آید

میرزا آقای قوام السادات بعد استماع تغییر حکومت بشیراز رفت - اهالی از او خیلی شکایت دارند

وکیل خرج چهارات تا خدا حسین که چهارات کپانی را عمله و مزدور میداد تا در بصره و بوشهر بارهای محموله را پیاده و حمل و نقل بکشتیهای کوچک کنند فوت شد - عمال نداشت خواهر و برادر و برادر زاده و خواهر زاده دارد - گویا وصیت کرده ثلث مالیه اش را به پسر برادرش دهند تا خیرات و مبرات نماید مابقی را هم ورنه کما فرض الله تصرف کنند - شنیدم این وصیت در حضور آقا سید مرعشی مجتهد شده چند هزار تومانی هم مالیه داشته است

شخصی بدون مناسبت مدعی است که ناخدا حسین طایفه خود را بصلح شرعی به برادر عبدالرحیم نام بخفیه و استشهادی هم درست شده - از چه طریق و بجه مناسبت معلوم نیست - تلگرافاتی چند بطهران زده اند اینک منتظر ورود جناب دریابگی میباشند - بین علماء بوشهر این استشهاد و وصیت کدورتی انداخته جناب موقرالدوله تائب الحکومه امر فرمود مطابق حکم شرع ورثة ناخدا حسین و وصی او اموال متوفی را متصرف شود ولی آنطرف دست بردار نیست احتمال دارد در این مسئله فسادی پیش آید که بزحمت رفع آن بشود

خواهران معارف را بشارت

درین بسته او این شماره روزنامه شریفه جهره نمای منطیبه اسکندریه ریخته قلم جناب دانشمند فرزانه آقا میرزا عبدالحمید تاجر اصفهانی وکیل شرکت اسلامی در بادکوبه پاداره رسید

این اخبار فعلاً ما می دو نوبت بطبع خواهد رسید

با جروف بسیار ممتاز حل و کافذ، اصل در شانزده صفحه قطع روزنامه پرورش و حکمت با اخبار ایران و اطلاع طبع میشود این اخبار علاوه بر جمیع محسنت مصور نیز میباشد - چنانچه درین شماره تصویر شاه اسماعیل صفوی را رسم نموده قیمت آن در ایران چهار تومان و هندوستان ده روپیه است - دوام و قوام و ترقی این روزنامه شریفه و توفیقات مدیر محترم آن را از خداوند خواستگاریم مقاصد این جریده فریده از مقاله ذیل که نقل از آن است بخوبی ظاهر خواهد شد

نقل از روزنامه شریفه

چهره نما

(منطبه اسکندریه)

مقصود از احداث روزنامه

ما را مقصود از احداث و نشر این جریده با احساس غلظرات شدید و زحمت و خستگیهای عهیده محترم مقام مسائیت و اقتضای بشریته و صلاح اسلامیته و خدمت بحولت و ملت منظوری نیست و حب وطن مقدس و اهالی آن خاک پاک و آن گور گرامیه تدبیر که وظیفه ما هر نوع فدا کاری و جان نثاری در حفظ و حراست و استقرار در استقلالیت اوست و ادار نمود - و دوق واشتیاق و الهاب عصیت افزود که جلای وطن عزیز گفته و از بی حفظ حقوق وطنی و مصالح ملی شها مخفته اورا بی آرایش و محایفی نمایش و از بسط مقال و مقصد و خیال شرحی گذارش دهیم و در مطرح نوز و فلاح و مورد صلح و صلاح نامی نیک و کلامی بحقیقت نزدیک نهم

اللها ما مسکا مبودا بتو پناهنده و از حضرت استعانت جوینده و رام رضایت را بریده شامد حال و گواه بر صدق مقال - توفی واقف بطون و کاشف قنون توفی باداش عهده خوب و بد - قبول کننده نیک نیز رد بهرحال و خیال تو دانای و عقاب خطا کارانرا مقدر و توانای و جزای مخلصان و پرهیز کارانرا تو بخشای - فرعون تبه کار را غرق کننده و موسی بلاکشر ارحت بخشنده - توفی نمرود شقاوت پیشه و لجزا دهنده و خلیل سعاده اندیشه را رهاننده - توفی که مکرمت بود احسانت کامل و عقوبت و جزای

خافل - از املف عامه ات توفیق عطا و سعادت در این نیت بدوقه فرما حکه خدوق از ره صدق و صفا و حقیقت مهر و وفا نایم و در ظل رعیت پروری و عدالت گستری شاهنشاه اسلام بنسب معارف خواه اعلی حضرت مظفرالدین پادشاه این افتخار ملی سالهای فراوان بسایم و از عهده خدنگذاری باینسب وطن مقدس عزیز عاجزانه بقسمی که شد و باید بدرآیم

بارگردگارا داوراتو رموزیات و حسابات را میدانی و منرضانرا بسر منزل آمال میرسانی اللهم صل مقاصدا و بسر مطالبنا

شاه پرستان وطن خواه را بشارت

من جمله امور طبیعیه که احدی نمیتواند سر دیگری را ملامت کرد و میتوان گفت جمیع نفوس بشریه در آن شرکت دارند - هاما مسرور شدن در خبرهای مسرت آمیز وطن و محزونی در حزن آن است - از زمانیکه عمل گمرک اداره و مأمورین با اطلاع گماشته آمد در سرحدات ایران که بواسطه عدم توجه یا بی دانی و سابقین همسایگان از هر طرف هرگونه تصرفات غیر مشروع و زیادتی نموده اند تا درجه محمود گردید - علاوه از تصرفات غیر مشروع که در معاملات داخلی ما می نمودند احصایات سرحدی نیز بسیار رطد کرده اند در حیثیت سرحدات ایران بقسمی که ابواب تقاب روی احیدیان شد و زبانشان کند شود معین نبود - از وقتی که گمرک اداره و تعرفه جدید جاری شد این نکته بخوبی احساس گردید که دولت عایه باید سرحدات خود را بطریق صحیح نگاهداری نماید - ورنه در اداره گمرک و پایدی دولت خلل روی خواهد داد - از آن

جمله است سرحدات ایران در حزار خلیج فارس اولاً باید دانست که جمیع حزار و بنسار خلیج فارس و بلوچستان و بر عمان با رسد بچند میلی کراچی بدون هیچ مانع و مدعی حق ایران بود - حالاکار بر آن نداریم که امرای - بد نیز تا زمان خاقان مغفور قنعلیشاه در حایه دولت علیه ایران بوده اند امام مسقط همواره یکی از امرای مطیع و متقاد ایران بوده - تا زمان سید - سیدین سلطان و اوایل سید سوینی اطمان مسقط از اوامر ولذمت خود بیرون پیچیده بودند سید سوینی که باغرای همسایگان از در

مخالفت بیرون آمد بسزای خود رسیده - اگرچه چند سالی دوات علیه ایران از سرپرستی مسقط تقاعد نمود ولی حقوق سرپرستی و در سواحل عمان از میان نرفته بمصدق (بنام سرهون بلوچستان) عمل شده است - سکونت ایران سبب شده دوات انگلیسی دعوی سرپرستی بر حکومت مسقط و تمام جزائر و سواحل عمان نماید تا کم دست تصرف به بعضی از صادر و جزائر بلوچستان و خلیج فارس که متعلق با ایران بود نمود - ایرانیان تا کنون بخمال حسط حقوق از دست رفته خود نیوفتاده تا درین موضوع بحث شود

من جمله جدیدست **سکه** ، مأمورین سرحدی از دو جریره خلیج فارس که بحسب منام خیلی اهمیت دارد غلت و ورزیده و همسایگان هوشیار نیز با کال چابکی بپرق حایه در او امراشته بودند - مأمورین با بصیرت گهرك این نکه را احساس نموده گویا بتوسط شاهزاده وزیر اعظم و مشیرالدوله وزیر امور خارجه بخاک پای هاپونی رسانیده فوراً حکم محکم شاهنشاهی به مأمورین سرحدی رسیده که در آن دو جزیره که (تب) و (ابوموسی) باشد و در خریطه ایران داخل است تصرفات اجانب را مع نموده بپرق شیر و خورشید را بلند نماید - چنانچه حکم شاهنشاهی بموقع اجری آمده بپرق حایه که مأمورین انگلیس من غیر حق نصب نموده کرده و بپرق شیر و خورشید را بجای او نصب کردند - و این اقدامات هوشمندانه غیورانه قابل آن است که ایرانیان شاه پرست وطن خواه با آواز بلند بگویند (زنده باد شاهنشاه ما - و پاینده باد دولت علیه ایران - و دعای این شاهنشاه معظم و وزیر اعظم) که باید گمت (این طعل يك شبه ره صدساله می رود) فرض عین و عین فرض شایند - اینها همه از نتیجه تغییر وضع و برکت هاتم نمودن اداره است - و اگر دولت علیه وزرا و رؤسای ادارات را مسئول قرار نمیداد و تا درجه تجزیه در کارها میشد باین مقام عمده نمیرسیدیم باش تا صبح دولتت بدمد

کابین هموزارتانج - حراست

این خوشبختی ها **سکه** آمارش نمایان و اندک اندک رو بملک و ملت می آورد همه را باید از برکت وجود با دانش و سیاست شخص اول ایران شاهزاده

آزاده عین الدوله و حضرت مستطاب اجل آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه دایم روزنامهجات انگلیسی هند درین طایفه مقالات غیر منصفانه متعصبانه من غیر شعور مینویسند و ما انشاء الله در موقع خود هر يك را بجوابهای اقناعی قانع خواهیم نمود من جمله روزنامه بمبئی گزت است که مقاله ذیل را درین خصوص مینگارد

خلخسته خلیج فارس

روزنامه (بمبئی گزت) با کمال طیش مینویسد - که عقیده ما این است وقتی که لارڈ کرزن در انگلستان برسد اول جائیکه برود در وزارت خارجه خواهد بود که با لارڈ لندون وزیر خارجه درباره امور جدید خلیج فارس بحث و مشوره نمایند

یکی از وقایع نگاران موثق اخبار مزبور خبر میدهد که همسایه مضحك ما (یعنی ایران) این ایام تماشای در آورده دل خود را خوش مینماید - مثل اینکه بی خبر بپرق حایه دولت انگلیس که در جزائر (تب) و (ابوموسی) بلند بود فرود آورده حتی جوب بپرق را نیز از زمین کنده عمل خود را بلند کردند - این مسئله جای شبه نیست که ازین حرکت جسورانه سخت باز پرس خواهد شد

آخرین خبری که رسیده ظاهر میدارد **سکشکی** جنگی دولت انگلیس (اسفینگس) در (هنجام) موجود بود - و یقیناً درین باب اورا خبر رسیده است این خبر نیز مایه اطمینان خاطر است که (میجر کاکس) نمایند دولت انگلیس از مسقط بجانب بوشهر رهسپار گردید - وقایع نگار اخبار موصوف این نکته را نیز می نویسد که تدارک سیم تلگرافی را که انگلیسان در بعضی از نقاط خلیج فارس دست گرفته در منتهای سرعت بانجامش سعی اند و شنبه از بانک شاهنشاهی ایران تحت انتظام رعایای انگلیس در بحرین باز و مورت ترقی تجارت دو آنجا خواهد شد

حبل المتین

برخی از اخبارات انگلیسی اگر دوست نادان دولت متبوعه خود گرفته شود بخطا سخن نرفته - آن ملک و دولتی را **سکه** روزنامه (بمبئی گزت) مضحك یا بلفظ مسخره یاد نموده و بی تهنیانه یاد کرده است اول دولت و ملت عالم و دارای حقوق بی شمار بر دولت متبوعه او میباشد - سخنان بی تهنیانه و کلمات متعصبانه

مفرورانه مدعی را از خیال خود باز نمیدارد. جز اینکه چون اخبارات هر ملت آینه خیالات ملیه شناخته شده این بی‌تهدیبها جز اینکه مایه تنفر و اشمئزاز خاطر طامه ملت ایرانیه از دولت انگلیس گردد هیچ نمر و نتیجه نمی بخشد

حالات غیر مستحقانه حرائد انگلیسیه غیر از اینکه رقیب دولت انگلیس را در ایران قوت داده و تجارت انگلیسان را کم نموده تاکنون دولت و ملت انگلیس را چه نتیجه بخشیده است

زمانیکه دولت علیه ایران معرفه جدید کرگ را در موقع احرا آورد حرائد انگلیسه تا چه پایه طوفان بی‌تمیزی برپا کرده و بجه سخنان سخن دولت علیه ایران را یاد نمودند - از آن بعد وقتیکه فرما فرمای هند بسیاحت خلیج فارس رفت بواسطه قضیه که در عدم بمحاکم آمد نشان در بوشهر پیش آمد بجه پایه پهلو گونی اختیار نمودند حالا باز برای تصرف این دو جزیره که حق طاق دولت و در خارجه ایران واقع است بدین سخنان مفرورازه سخن راندن منافی با دوستی و اتحاد و صرفه حوثی دولت انگلیس میباشد

مشکل این است که همسایگان غیر منصف تا وقتیکه حرکات بی‌شوراه بیند ما را قابل دوستی می‌شناسند - همینکه از روی هوشیاری بی‌بسی از حقوق خود برده در صدد حل آن برآیم مستوجب همه گونه عتاب و خطاب آنان میگرددیم - خوب است حرائد انگلیسی شکایت از وضع زمان نمایند که ملل و دول غافل را هوشیار نموده و مینماید - چون امروزه ملت ایرانیه قدری هوش آمده در حال حقوق از دست رفته خود لابد اقدام خواهند نمود و همه روره مورث شکایت همسایگان خواهد شد شکایت همسایگان خیلی باقی است چه حقوق از دست رفته ما که عما قریب بجات آن مجبور شده اقدام خواهیم نمود بسیار است گذشت آن زمان که کیف ماشاء در سرحدات ایران همه گونه تصرفات غیر مشروع میشد

رجال با دانش انگلستان را پوشیده بست که دوستی دولت ایران برای انگلیس تا چه پایه سودمند است فقط يك فتح دولت انگلیس از ایران تجارت اوسد که سالانه بالغ بر چهار میلیون ایراخاک التجاره او وارد شد ایران

می‌شود و در مابل يك - ایون ایرا مال التجاره ایران در حاک انگلیس هرود - ساءه اخری سه میلیون ایرا که معادل سی کرور تومان باشد سالانه دولت انگلیس از حاک ایران طلا و نقره حاصل حاصل ۱۱۰۰ - میتوان گفت دولت انگلیس در هیچ یک از مالک احبیه بدین پایه فائده یعل و غم حاصل نمیداند حتی طلا و نقره هیچ مالک در بدین وضع نمیتواند حتی چه در هر مملکت که تجارت و ات انگلیس رواج دارد معادل او نیز در حاک انگلیس تجارت او ت اعفی دولت انگلیس فائده قدری کمتر حاصل میکند

در حاک عثمانی نیز دولت انگلیس همه گونه فوژ تجارتی و سیاسقی را دارا بود - بواسطه همه گونه سخنان مفرورازه متعصانه حرائد ملت ترکه که از انگلیس از راه و رسوخ تجارت و قعود سیاست انگلیس در نهایت معدوم گردید - حرائد انگلیسیه اگر خیر خود ملت و دولت خود هستند لازم است از اشکونه سخنان مفرورازه متعصانه که مورث اشمئزاز قلوب ایرانیه است باز آیند. ورنه رقبای انگلیس در کهن نهشته همان قسم که فوائد او را از عثمانی قطع نمودند از ایران نیز قطع خواهند نمود - چنانچه تا رجه هم کرده اند ملت و دولت ایران را نیز زمانه متنه ساخته بی محسار تجارتی خود برده اند - باید تصور کرد اینطور طوفان بی‌تمیزی که از روی غرور یا بی بصیرتی حرائد انگلیسیه درباره اقدامات مصاحبه دولت ایران در مملکت خویش برپا کرده چه نتیجه حاصل کردند - و کدام فائده را جز نفرت مایه ایران برده که ازین و بعد به روند

بر حالین روشن است که دولت ایران تجاوز بحتوق احدی نموده و نخواهد نمود بلکه همسایگانش هاره بحتوق مطلقه او تجاوز کرده فقط محض مملکت صلح جوئی چشم پوشی نموده است - و اگر حتی از حقوق خود را نگداوده بایمال شود و دو جزیره که حق طلق او بود تصرف کنند مستوجب این گونه سخنان بی‌تهدیبانه نتوان بود

رجال دولت انگلیس که خداوندان دانش و سیاست اند هرگز با باطیل این گونه جرئت از جامة صبر و عکبانی بیرون نخواهند رفت چه خطه عالی آندیش

نمیکردند - و همین کدورت ملت مایه نقصانات عظيمة دولت انگلیس میشود شد - چنانچه تا درجه پنجم شده - یقین است رجال انگلستان بیکو تصور کرده اند که رنجش ایرانیان در امپوریکه حق با آنها باشد خالی از مضار پانگی هم برای دولت انگلیس نمیباشد

بقیه تلکرافات

(۱۸ صفر - ۶ می)

§ امیرالبحر روس (الکس اف) و (دیوک ماریس) قبل از آنکه بوغاز بندر آرترسد شود و محاصره او کنند فرار نمودند

§ لشکریان ژاپون در جزیره نای (لیاتنگ) خیلی جمعیت نموده خط راه آهن و سم تلگراف را قطع و از چهار جانب بندر (آرتر) را محاصره نموده اند § امیرالبحر (توکیو) رسماً خبر داده که بوغاز بندر (آرتر) مسدود گردید جز کشتیهای کوچک عبور و مرور نمیتواند نمود

§ آنچه به محفوق پیوسته فقط کشتیهای کوچک میتوانند در بوغاز بندر (آرتر) عبور و مرور نمایند امیرالبحر ژاپون (توکیو) کال نگرانی را بر کشتیهای حامل قشون دارد ژاپویدها عما قرب بجهانب (تالینوان) حرکت خواهند نمود و اساس اردوی بزرگی در آن نواح خواهند نهاد و در دو جانب لشکر خواهند گذارد

§ از (توسکیو) خبر رسیده که امیرالبحر (هرسویا) بیان کرده که چهارات جنگی و کشتیهای حامل قشون روس در (لیاتنگ) رسیده قشون بخاک آورده و سنگرهای کوه را بدون مانع متصرف شدند از آن بعد ژاپویدها بنای شلیک را نهاده اردوی دوم نیز بجهایه قشون ژاپون رسید

(۱۹ صفر - ۷ می)

§ مخبر (روتر) از پترسبرگ خبر میدهد که جنرال (فلگ) اظهار داشت که کشتیهای حامل قشون ژاپون لشکریان ژاپونی را در (نسی دو) و (کیپ ترمنیل) بخاک و توپخانه زیاد نیز فرود آورده اند - لشکریان روس از مقام خود عقب نشسته از صبح تا عصر ده هزار قشون ژاپونی بخاک آمدند

و طاقت بن و مستقیم المسلك حرانه انگلیسیه نباید فراموش نمایند چند سال قبل را یعنی امایکه ۱۰ حن اللوله حکومت پوشهر داشت برای دفع نماندنی انگلیسان (جاشک) مأمور گردید - چاه سحاه به اوست شرت داده و چه هیاهوهای جاهلانه در عالم اید افتاد - ولی چون رجال با دانش انگلیس به محسب امر ده بوده ایدا معاللات آنها اثر نمود و بیز آنچه قبل از این ماده نعرفه گرك ایران کرده رجال دولت انگلیس تاجه پایه همراهی از حیالاتشان نمودند - تا که بواسطه بخاک تیامدن (لارد کورب) دو پوشهر آرتر حراید انگلیسی بلند و هزار رنگ پانگی ریج و میریزند - ایدا رجال انگلستان از حیالات آنها بروی نکردند

رجال باصبرت انگلستان که همه باهوش و فرهنگ اند هرگز در امریکه مالش برای مابودت متنبوعهشان منحصره نقصان شود به هیاهوی اخبارت اعدام خواهند نمود - جزائر (سب) و (اوهوسی) که در سرحد و حق طلاق بی مدعی ایران است امروزه که گرك اداره نشده بود دولت ایران چندان اهمیت نمیداد - ولی اینک که گرك اداره شده هرگاه دولت علیه چشم این دو جزیره به پوشد سالی کرورها نقصان عایدات و در انتظام اداره گرك هم حطل وارد خواهد آورد - چه بعض اشیایکه دخواست بخاک ایران مموع و نا گرك ریاد دارد در این جزائر که سرحد ایران و وصل بدان خاک است وارد شده شبانه بابکاره و ماشوه از هر جا که خواسته باشند وارد بخاک ایران نمایند - و همین امر سب گردید که دولت ایران برای قائم داشتن اداره گرك تصرفاتیکه سابق درین دو جزیره ضرورت نمیدید کرده است - بارها نوشته بازم می نویسیم و رجال خردمند دولت انگلیس را متوجه می سازیم که جراند انگلیس و مأمورین کوچک محض نام خود غور و تأمل در منافع دولت متبوعه خویش نمایند و بدون جهة و سب و بغیر استحقاق ملت و دولتی که در دوستی و وقاعدیل ندارد رنجیده خاطر می سازند

اگرچه مسلم است این هیاهو ها دولت ایران را از مقصود خود باز میدارد و نه انگلیسان با دانش را از جامة شکیبانی بیرون می برد - ولی این سخنان یقیناً مورث رنجش قلبی و کمورت ملی ایرانیان از انگلیسان

کتابخانه

۱. **کتابخانه** روزنامه **کتابخانه** ...
 ۲. **کتابخانه** ...
 ۳. **کتابخانه** ...
 ۴. **کتابخانه** ...
 ۵. **کتابخانه** ...
 ۶. **کتابخانه** ...
 ۷. **کتابخانه** ...
 ۸. **کتابخانه** ...
 ۹. **کتابخانه** ...
 ۱۰. **کتابخانه** ...

۱. **کتابخانه** ...
 ۲. **کتابخانه** ...
 ۳. **کتابخانه** ...
 ۴. **کتابخانه** ...
 ۵. **کتابخانه** ...
 ۶. **کتابخانه** ...
 ۷. **کتابخانه** ...
 ۸. **کتابخانه** ...
 ۹. **کتابخانه** ...
 ۱۰. **کتابخانه** ...

سنة ۱۳۱۱

در این حریده از هرگونه علوم و وظائف سیاسی و منافع دولتی و موافق آنی بحث میشود

فهرست مندرجات

تأسیس • سیاسی • سؤال و جواب • تک
 از مخبران روزنامه آلمان • عربندی یا خودکشی
 از طالبان • مکتوب از شام • خطابه شاهزاده آراده
 کماله بوله • دهلوی • داستان روسا • مکتوب بیرسانه •
 تجارت کیلیان • انزلی • نقل از روزنامه شریفة
 نوروز • مکتوب از مکه مکرمه • اصلاحات جدید یا
 خیالات طالبه و وزیر اعظم • تلکرافات • کاکه •

تأسف

سید تیل و قاضی حایل حکیم دانشمند و طیب
 خانق حکیم سید سجاد که از بزرگان و همایند و
 محرمین مسلمانان کاکه بود یوم پنجشنبه ۲۵ صفر المظفر
 سنه (۱۳۷۲) مرض قلب در حالیکه شصت و نه
 عمر ایش زنگاری را طی نموده بود این جهان طای را
 وداع و به بهشت جاودانی خرامید رحمة الله علیه رحمة
 واسعة

این سید جلیل منشا درجه با بردستان و قرا
 و صفات و وفات و مهربان بود و میباید که تهنیت ترک
 نگردد و بعد از آن قرا کوتاهی داشت در حقیقت
 دولت آن مینماید که مسائل مخصوص شیطان را

از ضایعات بزرگ بشمار است شرح زندگی ایشان را
در آینه مهیلا خواهیم نگاشت

سیاسی

فتوحات بجزی ژاپون تا اندازه از مطبوعات او به
 بود ولی علنه بری او بدین سرعت و چابکی احدی را
 متصور نبود - تحیح دولت از توپا از نظام و حرکات
 دلیرانه لشکریان ژاپنی آنکشت خیرت بدانان هاهه و
 تا درجه دولت فرنگ را رشک و حسادت نار داشته -
 پیش از فتوحات ژاپون می گارگی لشکریان روس و بیارگی
 آنان طالبان را حیرت انگیز است
 دولت ژاپون با این همه فتوحات بین المللی و
 تا کنون سعی کرده است تمام غرور و خوغوشانی
 از او شود ار از نداده - و هیچگاه حکم را م نظر
 حقارت نگریسته - فقط دعوی او احتیاطی حوقدست
 شده از قبل جنگ اظهار داشته و میدانند و س
 نکته منها درجه استقلال و برداری و تحمل و عدل و
 حیانت او را می رساند - از زمانی که دولت ژاپون در
 ماده کوزیا و منچوریا با دولت روس آغاز کرده هاده
 تا کنون نه سعی خویش را بکار داده و نه از خویش
 خود نگاشته و نه بر خیزش از خواست از زود ما

برخلاف آن رویان بخمال خود میروز بوضی
سرخصیم را بچانده و قبی دشمن را از خیال باز
داشته و هر وقت بشوی دولت ژاپون را تخفیر کرده
تا حایک اولین سردار مملکت روس (جنرال کروپاتکن)
رسا بدین مضمون اعلان داد
ما تاظم جنگ مباحثگری احدی را قبول نمیکنیم
نمود - پس از آنکه قنون ما کوریا را تصرف نموده
ژاپونیاں را تأدیب کرده لشکریان ژاپون
جنگ از جزیره محض خود سرزمین قشوی
رسایده و اسیر و دستگیر شود که یکی از آنان روی
وطن را ناپیذد آتوقت لشکریان روس قریباً در جزیره
ژاپون داخل شده مطابق میل و رأفت و مهربانی
خود در بکوها طاقتد مصالحا، خوفنیم نمود -

اگرچه رای دولت بزرگی مانند روس اینگونه سخنان
در جنگ ملی دوات ژاپون رینده است ولی آن سخنان
ما این افتصاحات قرین قیاس قبول می کند مگر ایکه
نگویم (جنرال کروپاتکن) که لول سردار روس و همه
رماها ستوده است وقتی این سخنان را سروده که ادا
ار اقتدار و هوشیاری و نذارکات جنگی ژاپون اطلاع
داشته است

عج تر آنکه قبل از محاصره بندر آرتر و فتح
ژاپونیاں در عبور از رودخانه (یلو) رسا دولت روس
با متهای ضرور و طایت اطمینان جمیع دول را اعلان
داد که واسطاً صاحب در این جنگ تا آخر میدان قبول
نخواهد نمود

یکی از اخبارات امریکا می نویسد که روسیاں اعظم
بلاتیک خود را در ابرار ضرور و اظهار بی اعتنائ
طرف متال و آب طالم بالا یابین کردن قرار داده و
بخمال خود این بلاتیک ما خصم را مرعوب میباید و سیاست
خویش را در این داشته اند که با اخبارات کادبه و
اموات بی اصل رقیب خود را متوحش سازند -
مثل ایکه دوات روس دو ملیون قشون باقصای شرق
میفرستد - و ژاپونیاں را چنین و چنان میسکند و
یا مثل خبریکه تازه شهرت یافته که دوات روس سر و
دو ملیون استرالک اعلان قرص یافته پس از چند
روز اعلان می شود که روس در استقراض مقضی المرام
گردید - این بیگانه بلاتیک را تا درجه ژاپونیاں ملتقت

شده جنعلین بر آنها اثر نمی بخشد بر قشون روسی و این را
نیز در اخبارات روسی و غیر روسی چنانکه واقع شده
درج نمایانند مگر ماملایک طشت از نام القادوم باشد
اعظم قنوحات ژاپون در این ایام محاصره بندر
آرتر است در نظر سیاستون فرنگی ژاپون را
از محالات می نمود - چه بندر (آرتر) قوه در مقام
سیاسی و اقتصادی از هشت سال بدین طرفه ذوقند
روس در استحکامات این بدرجه اقدام نموده که با اولین
مهاجر مستحکم عالم بشمار بود - سرداران بحری
ژاپون از آغاز جنگ تا کنون در سد یوزاف و محاصره
بحری لوس و اقدام نموده طاقت گاه یلب گردیدند -
طبر محاصره بندر (آرتر) را ژاپونیاں هتة قبل اشاعت
دادند این ایام روس ها نیز رسا محاصره آن را تصدیق
کرده اند - محاصره ژاپون می بندر (آرتر) را خط
دریایی نیست بلکه از خشکی نیز چهار جانب او را احاطه
کرده راه محاصره را قطع و سیم تلگرافی و خط راه
آهن را طراب کرده اند حماقت و بیامی از قشون روس
در آرتر نمانده روسها انتشار میدهند که قشون
ما ولو در بندر آرتر قلیل است ولی خطیره و سامان
طود داری رای یک سال مهیا دارند

از قنوحات بین ژاپون که همه تسلیم دارند محاصره
بندر آرتر وقصه بر (بیوجو کیم) و عبور از رودخانه
(یلو) است در جنگ روسی

شعاعت و هادری قنون روس از مسائل مشهوره
عالم و طالب اهل بصیرت و رای بر آن بودند که جنگ
روسی قابل بلالولت لشکریان ژاپون روس محال است
ولی این عقیده را شعاعت ژاپونیاں در حین عبور از
رودخانه (یلو) باطل کرد چه در آن یقه خطره
قنون ژاپون شانزده هزار و صدو لشکریان روسی
هرار بوده مجروحین و متولین ژاپون یک هزار و صد
و کثری شمار آمده - و مجروحین و متولین روس
را چهار هزار قلمداد کرده اند - هرگاه این جنگ
را میزان قوای روسی دولین متنازعین قرار دهیم در مقابل
سیصد هزار قشون ژاپونی که امروزه در میدان جنگ
موجود است دولت روس را یک ملیون قشون باید -
تا روی فتح را معامله نماید
جنرال (کروپاتکن) کل دفت و متهای روس را

بکار نمی آید. و در ... باشد. ...
ژاپونیان بگیرد. و دفاع و جنگی که بروی دولت روس ازین
شکستهای بین سفارده شده مو نماید. سابقا مشهور
بود که هر لشکر جرادی نام لشکریان روس را استماع
می کند مرعوبه میگردد. امروزه در اقصای شرق
لشکریان روس نیز استماع نام قفون ژاپون دست و پای
خود را کم مینماید و بهر سو که لشکریان ژاپون رخ
می آورند قفون روس بدون مقابله عقب می نشینند
سرداران ژاپون با منتهای سرعت در جنوب منچوریا
داخل شده و پیش قدمی مینمایند و در هر مقام لشکریان
روس از قدم ژاپونیان اطلاع حاصل کنند بدون مقابله
و محاربه عقب می نشینند

یکی از اخبارات فرانسه بنویسد که از قرائن جنگ
و بهر جهت کار ژاپون چنان مستفاد می شود که دولت
روس ترك منچوریا را مجبوراً خواهد گفت از آن راهیکه
واید و محرك ژاپون را انگلیس دانسته و میداند و نیز
برای بر مسکردن جا عالی تقصایات این جنگ یقیناً بجانب
هندوستان حمله خواهد آورد قط خیر استیلای بر ملك
وسیمه چین چندین سال است روس را از توجه بهند
منصرف داشته اگر ژاپون چنانچه ظاهر می شود تا آخر
فتح نماید و روس مجبور به تخلیه منچوریا شود قطع امید
از استیلای چین خواهد نمود. و چون از آن طرف
منصرف شود نقشه که از ترکیب در حمله بهند دارند
پیش خواهد مسرفت و حمله بر هند در صورتیکه
دولت ایران متحد با روس باشد منتهای سهولت را
دارد و کامیابی آنان از مسایات اولیه است

سیاسیون پادشاه روس در این ماده خاص پیروی
از خیالات بلند ناپلیون نموده ز روی کرده وی
حرکت خواهند کرد. ایرانیان در ایام ناپلیون بوعده و
وعید دولت انگلیس قناعت کرده. هم ترك اتحاد ناپلیون
را گفتند و هم چشم از منافع عمده خود پوشیدند
روسها این اتحاد و یگانگی که با ایرانیان پیدا کرده همه
مقدمه آن خیلان بزرگ است. انگلیسان راست که اندکی
غرور و نخوت را دور داشته در جانب قلوب ایرانیان
و اتحاد با دولت عایه ایران پیش از پیش موافقی جویله
بکار برند و موضع شایسته باشند.
الموسی که بعضی از مسوولان انگلیس و برهمنی نامند

مأمورین کوچک دولت انگلیس که عقولشان تا آن پایه
نرسد که بهت و روی معاملات سیاسی را درک نمایند
و (جوان اند و از بهر نهم آمدند) ظاهر معاملات را
دیده و بقوة بحری خود ازان و در جزئیات او ویریکه
برخلاف رایشان می شود و حال آنکه دولت عایه ایران
حق باشد بسختان خشن و کلمات سخت که طایفه اشهر از
است مات و دولت ایران را از خود رنجیده خاطر
میسازد چنانچه در مسئله کرک و دو جزیره (قنب -
و ابوهوسی) خیلی آب از عالم بالا پائین کردند

و ققان رموز سیاست را پوشیده نیست که روس
و بانی فساد در چین کفیشان و مؤید لشکر کشی اروپاییان
باقصای شرق که باید بنای این جنگ عظیم هم آن را
تصور مسکرد (روتر) بود. بدین معنی که بعضی از
سرای دول که موقع پیش رفت مقاصد خود را در چین
نیکو دیده چنانچه شهرت دارد. ببلغ ممتازی به (روتر)
طایفه این فتنه را بدین قسم آغاز نماید

روتر مخالفت چینیان را با کفیشان در تاگرافهای
عزیده در قلوب اهالی حای فاد. از آن بعد مخالفت
اهالی چین را با جمیع ملل خارجه نصرايه بیان کرده
مدتی اذعان را. توجه این نکته ساخته همه روزه این
مسئله را گرم گرفته قوت دادند از آن طرف نیز
سرای اجانب و کفیشان دو فتنه و فساد رنگها ریخته
اندک آتش فتنه هم افروختند بسگاه يك تاگراف روتر
بدین مضمون اشاعت یافت (چینیان جمیع سرای دول
اروپا را بقتل رسانیدند) این خبر و لوله در اهالی اروپا
انداخته جمیع دول اشکریان و جهازات جنگی خود را
سرعت هر چه نام تر بجانب اقصای شرق گسیل داشتند
پس از چند روز که دانسته شد جمیع نهها دیده شده
تاگرافی دیگر بدین عوان نمود که (هیچ گونه خبری
ار بکن نمیرسد) وقتیکه جهازات جنگی اروپاییان بدریای
چین رسید و داست که از عزم خویش باز نمیگردند
بدین عنوان تاگراف کرد (که در بیره قتل سفرا معلوم
نیست تا کجا بحرین بصواب باشد) همین قدر که لشکریان
صفت دولت به یکن نزدیک گردید بدین مضمون تاگراف
کرد (تا جائیکه ما تحقیق کرده ایم قتل سفرا مقرون
بصفت معلوم نمیشود) چون سفیر آلمان و روس روتر را
بدین عمل وادار کرده بودند در همان ایام آغاز نزاع

نامه جی را بشورش آورده اند بین شورش سپهر آلمان
 بقتل رسید آن وقت (روت) انگلیس را قتل منبر آلمان
 را اشاعت داده صدق هیچ مطالب سابقه و لاجنه
 او گردید
 اینک نیز که دولت اروپا فتوحات ژاپون را معاینه
 کرده مستم میدارند که هرگاه ژاپون این میدان را تا آخر
 فتح نماید - انگلستان دست جمیع دولت اروپا لذت
 صکوتاه و مناصبکه امروره از اقصای شرق می زند
 همه صایع و ماطل خواهد ماند و هیچ یک بخودی
 خود نمی توانند شریک جنگ شده ژاپون را در این
 میدان عقب اندازند لذا بر همان رمزته اولیه و اندر
 روتر آثار نموده (که فتوحات ژاپون چینیان را باز جامه
 وقار بیرون کرده ضرور آورد ماست ازین رو در
 (تنت سن) راهالی اروپا خوف عظیم طاری گردیده
 بیدنیست روسیان داستان اولیه را مانع خاطر آورده
 حرکت این تدبیر مثل اول آلمان و روسیاند و بواسطه همین
 نکته اهم بود که دولت ژاپون دولت چین را درین جنگ
 بهن طرفی محض و ادار نمود چه طرفداری چین از ژاپون
 عات هجوم اروپاییان دوباره محاب اقصای شرق میگردد
 چون دولت انگلیس و امریکای و ژاپون از
 خیالات دول ثلاثه روس و آلمان و فرانس واقف و
 نادرجه مخالف اند بیدنیست که در این بوبت تدبیرشان
 بهدفع مردنیاید دولتین فرانسه و آلمان قنای آرزویشان
 طرفداری روس در اقصای شرق هست مشروط بر
 آنکه دولتین امریکا و انگلیس در جواب حمایت ژاپون
 کر نمیدند این است که سعی اند در چین اغتشاشی
 بدخته چند نفری از اروپاییان بقتل رسیده بدین راه
 خودی در میان اندازند و بیدنیست اگر دولت
 ژاپون بدین قسم پیشرود و روس باین نوع عقب مانعند
 دولتین آلمان و فرانس هر تدبیر باشد سبب حوث
 کرده آن کل آورد نموده شاید مایع جنگ آرند
 این است که از حالا (روت) در مره آغاز نماید
 گوشه‌ها را بر میکند و اذهان را مسبوق می‌نماید بلکه
 رحال دول را نامادگی اشاره میداید و سیاسیون را
 نماید این خیال باز بیدار
 ظاهر دولت آلمان در بدین احوال
 ظاهر دولت آلمان در بدین احوال

آنچه میدانند که می نمود به جهت گویی قوت
 روس بود دولت علیه عثمانیه هر چه که در اصلاحات
 از او بود - باینک که در روس در اقصای شرق
 و جاور دمشق قوی چه نسبت آسریا را در اقصای آن
 تحت و قوت باقی نماند و همین سببستند که بگذارند
 دولت عثمانیه مامع کرده که از امرای باشرایه
 باز آید و اینها که صنعت دیگری بودند که
 خود سادریاست
 دولت علیه عثمانیه اصلاحات مقدماتی را در
 دارد چنانچه اقدامات لازمه و پیشرو و اول
 چون دول اروپا مقاصد دیگر را در نظر داشته
 و دولت آسریا تنها ادوات عثمانی ستیز و غیبت
 دولت انگلیس را درین موقع با خود مع خود
 بدین وسیله دولت روس را در امرایه
 خویش مانع آید معی بپیشرو سیاست این
 سال گذشته که قنده مقدماتی بود علانیه
 و وزارت خارجه انگلستان دولت عثمانی را
 جلوه داده جمیع قنده و فساد را از اعوان
 و شرارت اهالی مقدونیا بیان دید که اگر چه
 در اول امر انگلیس نیز هرنگ حمایت نشده با
 و آسریا و دول سائر همراهی نمود ولی نه بدین
 که این ایام صدر اعظم و وزیر خارجه انگلستان
 ماده طرف شده اند
 وزیر خارجه انگلیس لارده اسدون بیان نمود که
 دولت عثمانی در اجرای عمده اصلاحات مقدماتی
 اعل میباشد و این روش پسندیده باشد و اهالی
 از طول انتظار تنگ آمده و بایهالی ایا مواعید
 می نماید و قریب بدین عنوان را (مسترفورد)
 اعظم انگلستان من غیر رسم اظهار داشته
 شده که اگر دولت عثمانی اجرای عمده
 بزودی نه باید و باز ملوی بالا گیرد
 و جمیع تقاضای عاید بدولت عثمانی خواهد بود
 دولت آسریا در سره داشت خود
 هشون داده و دولت عثمانی نزد و حدود است
 فزون بپرهازه هیچ رسید نیست هرگاه
 مقدونیا شود بین عثمانی و آسریا
 دولت انگلیس در بدین احوال

همزای با اهالی مقدونیا میخواند توجه دولت عثمانی را بدان صوب معطوف داشته کار خود را از پیش برد ولی دولت عثمانی از مقاصد سیاسی جمیع دول اروپا واقف نه از جاده اعتدال خارج میشود و نه ازین سخنان ترك مقصود میگردد برخی را گمان این است که ماقبت مسئله مقدونیا باعث جنگ عظیمی بین عثمانی و آستریا خواهد گردید

سؤال و جواب یکی از مخبران

روز نامه آلمان

با (برقصور) ژاپون در توكيو

(ترجمه از روز نامه فرانسوی)

سؤال - مسیو برقصور رأی جناب شما در خصوص جنگ روس و ژاپون در اقصی شرق چیست
جواب - تسلیم دارم قول جمیع حکما را که صلح مدوح و جنگ مذموم است - خصوصاً در عقیده ما ریختن خون حیوانات ولو صغیر باشند جایز نیست تا چه رسد به خون انسان که شریفترین مخلوق صاحب روح قدسیه است

سؤال - در اینصورت شماها باینعمل مذموم مکروه چرا اقدام کردید

جواب - همان قدر که ریختن خون مکروه و نامشروع است زیاده از آن حفظ ناموس قومیت رای تحصیل شرف اهالی و پرستش و پلن و سنگ و خاک و ذرات آن بر ذمه هر فرد از اولاد وطن واجب عین و غفلت از آن قبیحتر از ریختن خون دشمنی است که بدون سبب در آمیختن آنها خلل میرساند - ما در این جنگ برای توسعه ملک و عالم گیری اقدام نکرده ایم - ولی اگر دولت روس در منچوریا و سیوریای استقلال یابد آخر عمر دولت ما تصور میشود همه میدانیم در هر آیین حفظ بدن واجب و از هر عبادت برای انسان فرض تراست ما بجلاج مرض خود کوشیدیم - اگر غفلت مکرره بودیم چنان بود که بقتل جمیع ملت خویش مبادرت کرده باشیم

سؤال - اعتقاد شما در نتیجه اینجنگ چیست یعنی کدام غالب و کدام مغلوب میشوند
جواب - شك و شبهه نیست که ما غالب خواهیم شد

سؤال - بچه دلیل و حال آنکه روس دولتی است دارای مقتدر و قدیم و تجربه کار و چهار میلیون قشون و یکصد و سی میلیون رعایا دارد روس دولتی است که اساسش با اسباب جنگ گذاشته شده - از زمان (پترکبیر) ایندولت روز افزون پیش میرود و سالی نشده که مملکت خود را نیز باید جنگی شده که غالب نیامده شما دیروز بای بعالم تمدن نهاده جنگی کرده اید با دولت غافل بی نظام چین بوده در مقابل توپهای نو ایجاد شما در بواسطه تجربه دیرینه آنها با تیر و گمان مقابله میتواند کرد ایندولت روس است نه دولت چین ازین سخنان (برقصور) ژاپونی نسیم کرد و گفت ببخشید شما از من مطلب نمی پرسید - باب مباحثه و منازعه کشوده در اینصورت من سکوت اختیار مینمایم - در جواب این سؤالات نزد نفس خود مأذون نیستم - مخبر مذکور معذرت خواست که بنده ادا در اینخیال نیوادم که با شما محاجه مایم چون شما را وجود محترم عالم دانا دانسته میخوانم ارشاه مطلق بدست آرم و کس اطلاعی نمایم متوقع آنکه سؤالات مرا جواب فرمائید - از روی چه دلیل به طهر یافتن خود مطمئن هستید

جواب - اول آنکه گفتید روسها قومی اند طامع و بقوت بازو بر ممالک خود افزوده اند - من دو تاریخ ندیده روسها هیچوقت بقوت شمشیر ملک گرفته باشند بلکه در هر جنگ حیلۀ اندیشیده یا بزور او بریال زرد تفرقه میان لشکر مخالف افکنده یا بوعده هائیکه وفا ننموده روسمدی بار آورده اند - و یا با قومی جنگ کرده اند که معنی حق و طعنا نداشته یا بی جنگ با آنها معاهده بسته که همه را از کم دالتی و پرطمی و زرای طرف مقابل باید دانست این نکات از جنگ با ایران - عثمانی - خبوه - بخارا - تاتار -

جرکس و غیره میتوان فهمید. و تواریخ عالم بدین مثال شهادت میدهند خصوص در جنگ آخر عثمانیان آنهمه ندارکات فوق العاده عثمانی که دو مقابل روس بود و لشکرمان روس میدانرا برد برود زر نه باقوه لشکر بود. و همین قسم در سایر جنگها امروز دولت روس جنگ میکند با قومیکه در میانشان اسم استبداد است و نه قوماندانهای ایشان پاشا و خان. اگر روس تمام خزاین خود را با فقر آنها بخشد یکمشت خاک وطن خود را نمی فروشد. بیان کردید روسها چهار مایون لشکر دارند و حال آنکه من عدد قشور روس را از شما بهتر میدانم اسماً زیاده از آن است که ذکر فرمودید ولی روسها یکمیلیان لشکر اگر جنگ زیاده از یکسال طول کشد نتوانند به شرق سوق دهند در مقابل ما را نیم مایون قشور است تقارنیکه در این قلت و کثرت میباشد ایست اگر ما این نیم مایون لشکر خود را بگیریم شما بخیرید در جنگ کردن و عودت نمودن یقین داریم یکسر عودت را قبول نمیکند چه هر یک برای خرد تلاش شرف داد و وسادت و خوشبختی را در حفظ وطن داند. ولی اگر روسها این اذرا باشکر خود دهند یقین داریم یعنی از آن لشکر در میدان باقی نماند آنها را باروز تازیانه بطرف جنگ میرانند اردوهای روس تشکیل یافته از یهودی - مسلمان - ارمنی - کاتولیک پروستان بایک و غیره - علاوه نصف خود روسها امروزه در علیه این جنگ اند و طرفدار دولت مشروطه مانند موقع و فرصت می جویند عقیده من این جنگ باید بر عالمیان به نماید که هر کس عهد بندد و الاسبب شکند مستوجب غضب خدا شود چون روسها عهد بسته و قانکرند خدا اینجنگ را جلو ایشان نهاد. چنانچه از روی عهدنامه در وقت معین لازم و واجب بود تخلیه منجوریا بر روس ما هر قدر با شیرین زبانی و دوستانه توقع کردیم که حق چین را بموجب عهدنامه او رد کند قبول نکرد.

سوال - گیرم روسها وقتاً بوقت بکشدند چرا صاحب حق یاکت بنسبت شما بشود اینجنگ شدید

جواب - علی منجوریا حق دولت چین است ما و جمیع دول اروپا شاهد این عهدنامه هستیم چون صاحب حق عاجز مانده احقاق حق او واجب میشود بشود چه اگر ما را لایق شهادت نمی دانست چرا امضای ما را در آن عهدنامه میسر گرفت هر یک کام ما قابل شهادت هستیم چرا مهر ما را با نظر حقارت نگرفتند و شرف امضای ما را بهیچ شمردند. لذا ما را لازم افتاد که بچفظ شرف و اعتبار امضای خودمان را کرده باشیم علاوه در این موضوع جریفهای نگفتنی که شاید شما باور نکنید و در موضوع سؤالات شما خارج میباشد بسیار است.

سوال - چرا دول دیگر که مثل شما شاهد بودند عمل بشرف مهر و امضای خودشان نگذاشتند و شما از میان شاخص شده درین میدان قدم نهادید

جواب - شاید ایشان خیر خود را در این عهدنامه یا هر يك آلودگی خاص دارند یا بیکدیگر در این خصوص قرض داده که فردا به بی حسابی او نیز دم در بندند. ما را در آیه نه خیال تجاوز بحتوق دیگر و نه قصد بی حسابی داریم و نه از دیگری بکک خواهیم خواست بنام انسانیت لازم بود صاحبان امضاء عهدنامه در جنگ با ما همراه باشند آنها از حقوق خودشان صرف نظر کردند ما نکردیم این سخن جای ایراد نیست و اگر هم ایرادی وارد باشد بر کسانی است که شرف امضای خود را نگاه داشته اند آخرین نکته را عرض کنم روسها جنگیکه بدون حيله کرده همان جنگ بوده که با ناپیون نمودند نتیجه آن خاک بر سر تاریخ دان روشن است که در يك روز ۲۵ هزار لشکرمان خود را مقتول ساختند - با این همه باید گفت (تا یار که را خواهد و میباید که باشد)

سوال غیرتمندی یا خودکشی از افلاس در ملل متقدمه اروپا مسئله بغیرت و ناموس اهمیت فوق العاده دارد - بسی اشخاص بجهت اهدک و هنی که با آنها وارد شده خود را تلف میکنند و مضیون

(الموت اولی من رکوب العار) را اجرا میدارند. چه مسلم است فایده حیات نوع بشر همان تحصیل شرف و ناموس است. و هرچه درجه تمدن زیاد شود اهمیت مسئله شرف زیاد تر میشود. چنانچه ملل وحشی بانواع ذلت و بندگی و رقیت تن در میدهند تا چند روزی بتوانند بخواهی زندگی کنند و میگویند (دم غنیمت است) خلاف آن در ام اروپا حریت و آزادی و شرافت را مقدم بر حیات میدانند. کسانیکه باوضاع حالیه اروپا و تواریخ عصر حاضر فرنگیان آگاهند میدانند این امر چه قدر در نظر آنها مهم است جنگ (دونل) که در اغلب ممالک آزاد معمول به میباشد بجهت همین مطلب است و بیشتر در محاسبات عدلیه گفتگوی عرض است در کتاب (کنت دوونت گریوند) ذکر شده که مسیو (مورل) از تجار نمره اول مارسیل و صاحب افسی بزرگ تجارتی بود و چندین سفاین تجارتی داشت و ساها بیک نامی و درست قوی معروف شده بود انقلابات زمانه بیچاره را بریشان ساحت و چند کشتی او در دریای مدیترانه و دیگر جاها غرق شد. و این مرد محترم خود را نگاهداری کرد تا آنکه خبر رسید کشتی آخرین او موسوم بفرعون غرق گردید و طلبگاران از هر جانب هجوم آوردند. بالاخره طلبگار عمده آن سیصد و هفتاد هزار فرانک از او میخواست و در مقابل این وجه مبلغ هزار فرانک داشت ناچار شده پسر خود را از پاریس خواست از جمله بیانات او به پسرش این بود

فرزند. ساها است که قول من تخلف نشده بچشم ماه آینده اول روزی خواهد بود که وعده من خلاف شود. میخواهم این روز را ملاقات نکنم و بحال توهم افغ است زیرا اگر من زنده مانم خواهند گفت تو پسر مرد ورشکسته و بی ناموسی هستی. ولی اگر من خود را بکنم نام من و تو را بجزرگی و غیرت یاد خواهند کرد و خواهند گفت پدران این جوان کسانی بودند که در مدن المریک مرتبه وعده او تخلف

شد. از غیرت و حیث خود را تلف کرد و فی الحقیقه چنین است. اهل عالم دو گونه اند جمعی طالب مال و منال و اعتبار و اردیاد ثروت و مکنت و گروهی در صدد نام نیک و مقام رفیع و شرف بر هر تقدیر خون مال تلف شود و غرض بایمال باحیات و زندگانی لنتی ندارد و بجزر نکبت و سرافکنندگی ثمری بر او مترتب نیست پس سزاوارترین مردم بخودکشی طایفه تجار و صاحبان افسی اند

ولی در مال مشرق زمین بواسطه آنکه از مسئله شرف و افتخار بی خبرند اینگونه واقعات کثرت یافته و در این چند اوزه در این شهر شهر شهر که قبه الاسلام است واقعه که کاشف از بیداری حسن اهالی است واقع لازم دانست با اداره متدسه اطلاع دهد. احدی از پیر مردان و ریش سفیدان این شهر چنین واقعه در خاطر ندارند و این واقعه از قراری است که دیلاً بعرض میرساند

آقا غلام حسین تاجر هرقی لاصل که از تجار معتبر و نمره اول یادوم محسوب میشد و صاحب افسی بزرگی بود و در درست قوی و خوش سلوکی و اعتدالی مشرب و استقامت امر معروف و ضرب المثل بود باوجود تمول و ثروت بی اندازه هیچگاه از مقام خود تجاوز نمود تا آنکه در این اواخر بسری از او بزرگ شد و امور پدر را بدست گرفت بواسطه بحالست او با مردمان غیر مناسب خارج از جنس تدریجاً مسئله آتسابی شد طلبگاران از هر طرف هجوم کردند جمعی در صدد اصلاح کار برآمده ولی نه چنان خراب شده بود که قابل اصلاح باشد آنچه تا اول محرم معلوم شد قرضش به شصت هزار تومان که معادل سه میلیون فرانک باشد رسیده بود منجمله بانک روسی در پست و پست یا سی هزار تومان. نجلدالطنه شصت هزار تومان. ورثه آقا عبدالباقی ارباب پست و چهار هزار تومان. حاجی صدرالسلطنه ذوازده هزار تومان. ارباب حبشید و امین الضرب زاد علی الظبامر هر کدام شصت